

هنر بين النهرين

بین النهرین منطقه ای است در آسیای غربی در امتداد رودهای دجله و فرات که از جنوب به شمال- از خلیج فارس تا کوه های ارمنستان - و از شرق به غرب- از فلات ایران تا صحرای شام امتداد دارد. نواحی مرکزی بین النهرین روزگاری به واسطه وجود شبکه بسیار وسیع و غنی آبهای طبیعی بسیار حاصلخیز بوده است لیکن پس از سپری شدن هزاران سال تغییرات جوی و جغرافیایی، اکنون اغلب زمینهای این منطقه بایر و کم آب است.

بنا به یک نظر، منطقه ای که امروز خاور نزدیک نامیده می شود: مصر، سوریه، لبنان، اسرائیل، عراق، ایران و ترکیه پس از آخرین عقب نشینی یخچالهای طبیعی به مناطقی بیابانی و نیمه بیابانی تبدیل شدند و ساکنان خود را وا داشتند به دره های حاصلخیز و سوبی رودهای نیل در مصر و دجله و فرات در بین النهرین تغییر مکان دهند و در آنجاها سکونت گزینند.

کهن ترین اجتماعات اسکان یافته ، نه در دره های رودخانه ها بلکه در ارتفاعات سرسبز مجاور آنها یافته شده اند. این مناطق، شرایط ضرور برای پیدایش و رشد کشاورزی را داشتند.

انواع گیاهان بومی مانند گندم و جوی وحشی، رمه های چارپایان مانند بز، گوسفند و خوک برای اهلی کردن فراوان بودند.

در همین جا بود که جوامع متمدن علاوه بر کشاورزی سازمان یافته است- حکومت، قانون و دین رسمی، همراه با ابزارها و اسلوب هایی چون نوشتن، اندازه گیری و محاسبه، بافندگی، فلزکاری و سفالگری پدید آمدند.

در مطالعات تاریخ جهان از شرق نزدیک و بین النهرین به عنوان مهد تمدن بشری یاد کرده اند. این عقیده مبتنی بر قراینی است که در ذیل به چند نمونه آن اشاره می کنیم.

الف) ابتدایی ترین و بهترین آثار کهن به دست آمده از کشاورزی نظام یافته- که نشانه زندگی گروهی و اجتماعات بشری است- در این منطقه یافت شده است.

ب) ابزارسازی و دانش استفاده از فلزات از عواملی است که بنیان اقتصادی و توان فنی جوامع اولیه را نشان می دهد. سومری ها اولین تشکل یافته و قدرتمند منطقه بین النهرین) اولین قومی بودند که به فن استفاده از فلزات آگاهی داشتند. هیچ کس نمی داند که آنها چگونه

شیوه استخراج فلزات را گرفته اند لیکن مسلم است که نخستین بهره گیراز فلزات در بین النهرین صورت گرفته است.

(ج) خط و نوشته را شاید بتوان مهمترین اختراع بشری در طول تاریخ دانست چرا که نوشته ها مجرای انتقال اطلاعات و ثبت و ضبط تاریخ هستند. از سوی دیگر ظهور خط در یک جامعه کهن، خود نشانه ای است از رشد فکری و عملی و فرهنگی مردم آن اجتماع. سومریان با اختراع خط میخی دوره ای را آغاز کردند که به عنوان آغاز خط نویسی شهرت دارد.

(د) وجود شهرهای مستقل که از آن ها با نام دولت شهر یاد می شود نشانی از قدرت سیاسی و مدیریت شهری بوده است. در این منطقه انتقال از زندگی و اقتصاد ساده کشاورزی و روستایی به نظام پیچیده زیست و اقتصاد متمرکز شهری به سرعت انجام شد. از این رو بین النهرین بستر اولین جوامعی بود که نام تمدن (شهرنشینی) را شایسته خود ساخت.

هنر سومر

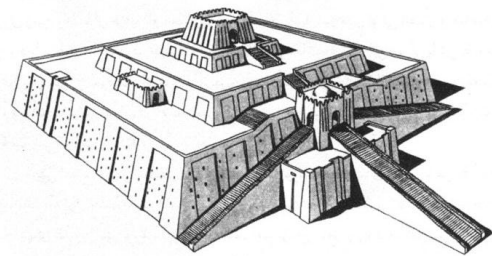
تقریباً در اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد، حادثه ای عظیم در بین النهرین به وقوع پیوست و آن مسکون دره های بزرگ رودخانه ها بود. پس از این حادثه بود که نوشتن، هنر، معماری ساختمان و شکل های جدید سیاسی در بین النهرین مصر، اما با تفاوت های چشمگیری در کارکردشان، به ظهور می رسند. منشا این قوم همچنان یکی از معاهای بزرگ تاریخ جهان باستان است. سومریان مردمی کشاورز بودند که طرز مهار کردن سیل را آموختند و شهرهایی با دیوارهای حصین ساختند، مانند اوروک_ ارک یا وارکای امروزی.

از روی مدارک بدست آمده از غارهای عصر دیرینه سنگی چنین بر می آید که انسان همواره می کوشیده است با توسل به جادوی تصویر بر محیط و طبیعت پیرامون خویش مسلط شود. همزمان با ظهور سومریان و آغاز تاریخ مدون، جادوی کهن جای خود را به دینِ خدایان نیکخواه و بدخواهی داد که تجسمی از نیروهای طبیعت بودند و غالباً با طرزی ویرانگرانه با امیدها و نقشه های انسان به ستیز بر می خاستند.

در این دشت حاصلخیز، گرمای طاقت فرسای تابستان و سیل های بنیان کن، خشکسالی ها، آفات و هجوم ملخ ها، انسان را به پذیرفتن این اندیشه وا میداشت که گویا نیروهایی تسلط ناپذیر و برتر از او وجود دارند و او باید آنها را یا رام کند یا بر آنها غلبه کند.

دین سومریان و کسانی که از ایشان پیروی می کردند بر محور خدایان طبیعت می چرخید: آنو خدای آسمان، انیل خدای خالق و فرمانروای زمین، اِنا خدای آبها، نانار خدای ماه، اوتو خدای آفتاب، اینانا الهه عشق و باروری.

برجسته ترین بخش مجتمع معبد و در واقع شناخته شده ترین ساختمان در دره بین النهرین زیگورات نامیده می شد. از چگونگی پیدایش یا نقش این ساختمان های عظیم و چند طبقه خشتی اطلاعاتی به دست نیامده. بعضی ها این ساختمان ها را پلکانهایی از آسمان یا کوهی ساختگی توصیف کرده اند و وجودشان را به این اعتقاد همگانی در جهان باستان که نوک قلل رفیع را جایگاه خدایان میدانست مربوط کرده اند. (تصویر ۱)



(تصویر ۱) طرح بازسازی شده زیگورات اور

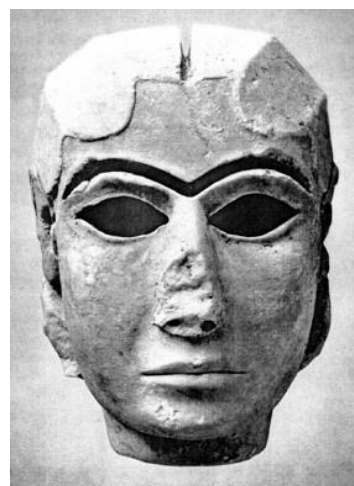
در سردیس متعلق به وارکا، بیننده بیدرنگ متوجه بزرگی بی تناسب چشمها می شود. این ویژگی گروه بزرگی از پیکره هایی است که از تل اسمر به دست آمده اند. (عکس ۲) علت این سنت را، که نتنها سومری نیست بلکه در سراسر هنر باستانی ظاهر می شود، فقط می توان حدس زد. احتمالاً مدت ها پیش از آنکه ارسطو بگوید آنچه آدمی را از جانوران متمایز می گرداند عقل اوست و حس بینایی منطقی ترین حس است. در اعتقادات مردم و بخشی از فرهنگ عامه آمده است که اگر می خواهید به نیات و شخصیت کسی پی ببرید یکر است در چشمانش بنگرید.

در نظر هنرمند جهان باستان، چشمها که (پنجره روح) پنداشته می شدند، تداعیهای بیشماری داشته اند. چشمان بزرگ با نگاه خیره ثابت، همه چیز را می بینند و تصور چهره از روبرو با دو چشم که دیدن انسانی را از دیدن حیوانی صرف متمایز می گرداند، نشانه هشپاری و بینایی مطلق و علم خدایان به همه امور و تضمین عدالت است. (تصویر ۳)

از اینجا میتوان دریافت که چشم ها و پیکره های بزرگ و استوانه ای شکل که از روی نشانه های نقش برجسته بر پایه هاشان به عنوان خدا شناخته شده اند نیز نسبت به سرهاشان از همه بزرگترند. از بقیه پیکره ها، کوچک اندام ها معرف پرستندگان، بزرگ اندام ها معرف کاهنان، و کوچکترها معرف انسان های کوچک اندامند. اینان که دستهایشان را به حالت دعا روی سینه هاشان برهم فشرده اند، با چشمان درشت خویش چنین می نمایند که در حضور خدایان خود حالتی از ترس آمیخته به احترام به ایشان دست داده است. هدف از این پیکره های نذری این بود که به نمایندگی از طرف اهدا کنندگان برای همیشه به درگاه خدایان سپاس بگذارند، و بدین ترتیب، نگاههای خیره و گشاده چشم ایشان را می توان نمادی از بیداری و هشپاری ابدی ایشان در صورت تمایل به اجرای وظایفشان تلقی کرد.



(تصویر ۳) پیکره های کوچک اندامی، تل اسمر



(تصویر ۲) سردیس زن



هنر اکد

در حدود ۲۳۰۰ پیش از میلاد، گروه پراکنده شهرهایی که در نزد ما به سومر شهرت دارند تحت فرمانروایی یک حاکم بزرگ به نام سارگون اکدی قرار گرفت. اکدی ها با آنکه نژاد سامی داشتند و به زبانی تماماً متفاوت با زبان سومری سخن می گفتند، فرهنگ سومری را جذب کرده بودند و در دوران حاکمیت سارگون و پیروانش مفهوم تازه ای به قدرت پادشاه دادند و وفاداری تزلزل ناپذیر به پادشاه (نه به کشور- شهر) را شالوده آن ساختند.

در دوران فرمانروایی نوه سارگون به نام نارام سین، فرمانداران شهرها را بردگان پادشاه می نامیدند و پادشاه نیز خود را سلطان چهار گوشه عالم و در واقع سلطان سراسر کره خاکی می نامیدند. چهره با ابهتی که از یک پادشاه نینوا برجا مانده این مفهوم جدید پادشاهی مطلق را مجسم می کند. (تصویر ۴)

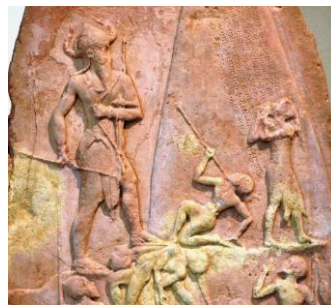
مقام خداگونه ای را که پادشاهان اکد برای خود مدعی بودند، در شاهکار دیگری از هنر اکدی به نام لوح پیروزی نارام سین نیز می توان دید. (تصویر ۵)

در این لوح سنگی، نوه جنگاور سارگوندر حال هدایت سپاهیان پیروزمندش از شیب ها و لابلائی درختان کوهسار و از برابر لشکریان شکست خورده دشمن که زیر پا له می شوند، می افتند، می گریزند، می میرند یا تضرع می کنند، نشان داده شده است. پادشاه با قامتی بس بلندتر از سپاهیانش تنها بر روی اجساد دو سرباز شکست خورده دشمن ایستاده است. او کلاخودی شاخدار بر سر نهاده که نشانه مقام خدایی اوست، و دو جرم آسمانی یا ستاره های نیکبختی اش که نشانه های شمش ها و ایشتر هستند، بر فراز این صحنه پیروزی او می درخشند. هنرمند، نه فقط در نمایش استادانه موضوع بلکه از لحاظ تنوع حالت ها و آرایش صحنه ها، اصالتی تقریباً حیرت انگیز از خود نشان داده است.

پیشرفت ها و دستاوردهای اکد در اثر تاخت و تاز قبایل کوه نشین موسوم به گوتیان که نزدیک به شصت سال بر سراسر بین النهرین مرکزی و سفلی تسلط یافتند متوقف شد. در این دوره، شهرهای سومر به عنوان واکنشی در برابر حضور بیگانگان از نو خودی نشان دادند و حکومت سومر نوین را به سرکردگی پادشاهان اور تشکیل دادند.

در این دوره بیشترین و مهمترین کمک از سوی شهر لاگاش به فرمانروایی گودئا به شهرهای سومر می رسید. از گودئا نزدیک به بیست تندیس ایستاده یا نشسته، دست ها در هم فشرده و گاه با کلاهی پشمی بر جاماده است.

گودئا که بخت نیک خود و بخت نیک شهرش را به لطف خدایان نسبت می داد، مشتاقانه در پی مراسم به آنها بوده. تعداد تندیس ها به این علت زیاد بود که بتوانند جای (نمادین) او را در معابد بگیرند و تا ابد در خدمت خدایان نیکوکار قرار گیرند. (تصویر ۶)



(تصویر ۵) لوح پیروزی نارام سین



(تصویر ۴) سر فرمانروای اکدی



(تصویر ۶) گودئا در حال دعا

هنر بابل

بابل با روی کار آمدن قدرتمندترین پادشاهش یعنی حمورابی، توانست دوباره حکومتی متمرکز برپا دارد و بر سراسر کشور فرمان برآند.

حمورابی، که احتمالاً نامدارترین پادشاه در تاریخ بین النهرین بود، شهرتش را مدیون تنظیم قوانین آشفته، تناقض آمیز و غالباً نامُدَوَن شهرهای بین النهرین است.

گرچه حمورابی نخستین انسانی نیست که کوشید اوضاعی آشفته را سروسامان دهد، ولی نخستین کسی بود که در این کار به پیروزی رسید. بارتابهایی از مجموعه قوانین او را می توان ثر شریعت موسی یافت.

قوانین حمورابی به طرزی زیبا روی بلند و ناهمواری از سنگ بازالت سیاه حکاکی شده است و بر بالای آن پیکره برجسته او در حالی که الهام تدوین آنها را از شَمَش خدای شعله بر دوش خورشید می گیرد کنده شده است. (تصویر ۷)



(تصویر ۷) لوح سنگی قانون نامه حمورابی

هنر آشور

آشوریان ساکنان بین النهرین شمالی، در تلاش برای استیلا بر سرزمین های پیرامون خویش با پادشاهی های جنوب- سومر، اکد و بابل و میتانیان در شمال غربی بر خورد پیدا می کردند.

سارگون شهر و کاخ را مظهر و بیان عظمت خویش می دانستو گمان می کرد که پایه های این عظمت بر اطاعت و انقیاد دشمنان وی نهاده شده اند. او در کتیبه ای می نویسد: من شهری را با (زحمت) مردم که به وسیلهٔ دستانم مطیعشان کرده بودم ساختم. آشور، نبو، و مردوک ایشان را به تسلیم در برابر من و به گردن گرفتن یوغ من در پای کوه موسری بالای نینوا، وا داشتند.

و در کتیبه دیگری می گوید: سارگون، پادشاه جهان، شهری ساخته است، که آن را دُور شروکین نامیده است. در داخل این شهر، کاخی بی مانند بر پا داشته است.

با آنکه پادشاهان آشور قدرتشان را با شکلهایی غیر انسانی مجسم کیده بودند(مثل: گاوهای بالدار) (تصویر ۸) بیش از همه موجوداتی خاکی بودند و انتظار داشتند که مقام بلندشان در کارهای مورد علاقه شان- جنگ و شکار- با عباراتی دقیق، اشتباه ناپذیر و مشخص ثبت شود.

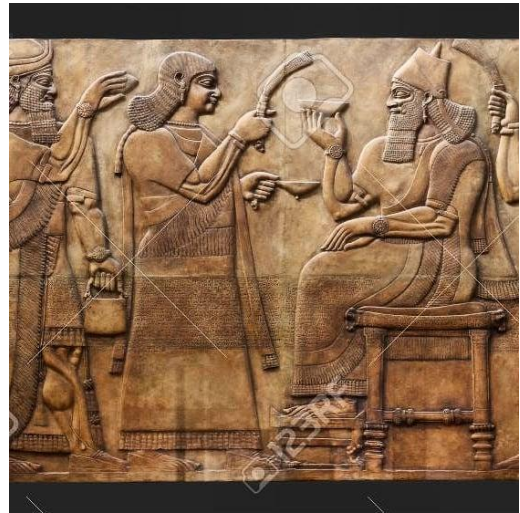
تاریخ هنر آشور عمدتاً تاریخ کنده کاری برجسته است. و تعداد اندکی پیکره با نمای همه جانبی از آن زمان به یادگار مانده است. حتی عده ای جانوران بالدار بزرگ را نوعی تندیس برجسته می دانند که به پایه های سنگی خود بسته شده اند و دارای سه سطح برجسته هستند.

برای نقل جشن های شاهی به کمک تصویر به سطوحی تخت و پیوسته احتیاج بود که امکان تکرار تقریباً بی پایانِ نبردها، محاصره ها، پیروزی ها و آدمکشی ها و کشتار بی پایان جانوران وحشی در ساعات بیداری پادشاه را به هنرمند بدهند. (تصویر ۹)

آنچه در نقش برجسته های آشور جلب توجه می کند: ۱- سهولت مشاهده حوادث است. ۲- زنده نمایی حالت ها و حرکت های انفرادی به طرز استثنایی ظریف و متقاعد کننده است. ۳- روی هم افتادن یا تداخل پیکره ها برای القای فاصلهٔ بیشتر یا کمتر (پرسپکتیو). ۴- نمایش عضلات برآمده و نرمه ساق پا و ساعد اغراق شده و رگ ها مانند مفتول نمایانده شده اند.



(تصویر ۸) گاوبالدار آشوری



(تصویر ۹) آشوربانیپال در جام خود را سر می کشد



آشوربانیپال در حال شکار شیران